



علیرضا پیروان  
نویسنده  
و منتقد ادبی

محمد رضا شفيعي کدکنی (م. سرشک)، شاعری است که در مرز میان سنت و تجدد ایستاده و منتقد و محققى که به یاری زبان های فارسی و عربی، پیوندی میان زیبایی‌شناسی کلاسیک و حساسیت‌های مدرن برقرار کرده است. بررسی شعر و اندیشه او، نه فقط بازخوانی یک شاعر، بلکه تأملی در نسبت شعر، قدرت، سنت، و مدرنیته در جامعه ایرانی است.

شفیعی کدکنی در آثارش از شعر به عنوان راهی برای فهم فرهنگ بهره می‌گیرد و فرهنگ به عنوان زمینه‌ای برای نجات شعر. شعر او در تقاطع تاریخ و اخلاق می‌ایستد و به ما یادآوری می‌کند که هویت فرهنگی، فرآیندی زنده و در حال گفت‌وگو است. از دید من، میراث شفيعي در سه محور خلاصه می‌شود:

۱. ترویج زبان و فرهنگى فارسی در برابر زبان‌های سلطه و فراموشی تاریخی؛  
۲. بازخوانی انتقادی سنت عرفانی به‌منابه گفتمان‌های؛  
۳. طرح اخلاقی فرهنگ‌های معاصر به عنوان جایگزینی برای انگاره‌های متضاد. شفيعي در نهایت، چهره شاعر متفکری است که به تعبیر خودش، «با چراغ و آینه» راه می‌رود؛ چراغ خرد در دست و آینه وجدان در برابر خویش. شعر او همچنان یکی از نادرترین کوشش‌های فرهنگ ایرانی برای پیوند دادن زیبایی، آگاهی و مسئولیت است.

#### موقعیت شفيعي

شفيعي کدکنی در دهه ۱۳۴۰، زمانی به صحنه ادبی آمد که شعر نو فارسی پس از نیمای پوشیچ، شاملو و اخوان ثالث به نوعی بلوغ رسیده بود. او برخلاف بسیاری از هم‌نسلانش، با آنکه وزن و قافیه را حفظ می‌کند، به واسطه پیشش فرهنگی خود، شعر رانه صرفاً قالبی بیانی بلکه شکلی از کنش فرهنگی» می‌پندد. مسأله «میان فرهنگی بودن» و «اختلاف» از مفاهیم کلیدی در فهم رویکرد شفيعي کدکنی است؛ شفيعي در این معنا، نمونه شاعر ایرانی است که در بستر فرهنگی دوگانه سنتی و مدرن می‌کوشد تا هویتی تازه بسازد. شعرهای او در مجموعه‌هایی چون «از زبان برگ» (۱۳۴۷)، «کوچه‌های نیشابور» (۱۳۵۰) و «بیوی جوی مولیان» (۱۳۵۶) حامل همین تنش تاریخی‌اند؛ زبانی کلاسیک با دغدغ‌های مدرن، و بیانی عرفانی در قالبی اجتماعی.

#### زبان خانه فرهنگ

شفيعي کدکنی، به عنوان زهر شناس و محقق شعر فارسی، بیش از هر چیز به قدرت زبان به عنوان حامل حافظه جمعی باور دارد. در اینجا، زبان نه فقط ابزار بیان، بلکه ساختار تولید معنا و حافظه فرهنگی است. در شعر او، زبان فارسی به مثابه خانه فرهنگ ایرانی عمل می‌کند. او با وسواس در واژه‌گزینی، بافت نحوی و موسیقایی شعر، در واقع در حال بازسازی پیوندی با زبان پیشامدرن فارسی است؛ پیوندی که در دوران مدرن در معرض گسست قرار گرفته است. مثلاً، در شعرهای دفتر «بیوی جوی مولیان»، «زبان و عاطفه فرهنگی آنگونه دردم تنیده‌اند که مفاهیم، هم صرفاً نوستالژی‌که نوعی بازاندیشی در ریشه‌های فرهنگی است. این بازگشت زبانی، جنبه ایدئولوژیک نیز

## شفيعي و غيرت شاعرانه



اميد طبيب‌زاده  
عضو پیوسته  
فرهنگستان زبان  
و ادب فارسی

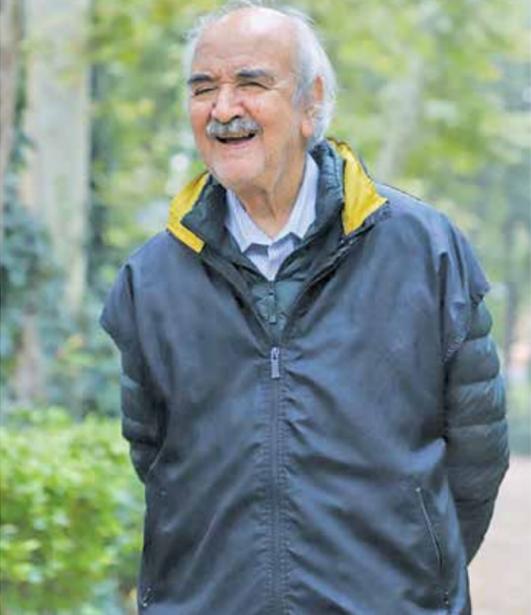
ایدئولوژی شاعران کلاسیک ما، غالباً همان ایدئولوژی میدوخوان‌شان بوده است و نه ایدئولوژی مردم عصرشان و نه حتی ایدئولوژی خودشان! مثلاً تاخستن فرخی به اسماعیلیه نه لزوماً از بی‌غضب‌وی از اسماعیلیان شیعه‌مذمب، بلکه از حب و بی‌غزونیان اهل سنت بوده است؛ یا اگر دیوان منوچهری بوی شراب می‌دهد بیشتر به می‌خوارگی خود سلطان مسعود مربوط می‌شود تا به میل منوچهری بدان- حتی شراب‌پرستی منوچهری هم مصداق بارز «الناس علی دین ملوکهم» است؛ به جرأت می‌توان گفت اگر اسلام محمود و مسعود از جنس اسلام شاه عباس و شاه طهماسب می‌بود، فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی هزار بار «بفرضی» تر و «محتشم‌تر» از فیض‌ها و محتشم‌های کاشانی می‌شدند!

اگر آغاز ادبیات معاصر فارسی را کم‌وبیش مقارن با جنبش مشروطه بگیریم، می‌توانیم بگوییم ادبیات معاصر ما تفاوت‌های بسیاری با ادبیات کلاسیک‌مان دارد. ادبیات معاصر نه تنها مبن ایدئولوژی شاهان نیست، بلکه غالباً در مخالفت با معتقدات آنان شکل گرفته

# موقعیت مرزی

نگاهی به جهان ادبی و فرهنگی  
محمد رضا شفيعي کدکنی

به مناسبت هشتمادوشمین زادروزش



دارد؛ چرا که شفيعي در جهانی که زبان‌های سلطه (به‌ویژه زبان رسانه‌ای و فن‌سالاری) در حال تصرف معنا هستند، از «استقلال زبان شاعرانه» دفاع می‌کند. در این معنا، شعر او را می‌توان شکلی از مقاومت فرهنگی دانست.

#### عرفان و سیاست‌رهای

یکی از جنبه‌های منحصر به فرد آثار شفيعي کدکنی، پیوند میان عرفان و آزادی است. او در آثار نظری‌اش مانند «صور خیال در شعر فارسی» (۱۳۵۰) و «با چراغ و آینه» (۱۳۹۰) نشان می‌دهد شعر فارسی را باید نه به عنوان انفعال، بلکه به‌منابه نوعی گفتمان‌های بخش بازخوانی کرد. این بازخوانی نوعی «بازملک» از سنت است؛ شفيعي میراث شعری را در خدمت‌رهای ذهنی و اخلاقی انسان معاصر قرار می‌دهد. مثلاً، در شعر «سفر بخیر» یا در شعرهای مجموعه «در کوچه‌های عرفان و آزادی است. عرفانی تا سیر تاریخی و وجودی انسان پیوند می‌خورد. عرفان در شعر او، زبان استعاری مقاومت است؛ نوعی «عرفان انتقادی» که از سنت می‌گذرد بی‌آنکه سنت‌ستیز شود. از همین‌رو، شفيعي برخلاف بسیاری از روشنفکران مدرن ایران، سنت را نه مانع، بلکه بخشی از گفت‌وگوی تاریخی فرهنگ ایرانی می‌داند.

#### طبیعت، شهر و بحران زیست فرهنگی

در بسیاری از اشعار شفيعي، دو فضا به‌صورت نمادین با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند: طبیعت و شهر. طبیعت در شعر او نه منظره‌ای

وضعیت‌دوگانه را می‌توان نوعی «سوزگی مدرن ایرانی» دانست؛ سوز‌های که در بی‌معناست، اما در جهانی بی‌ثبات زندگی می‌کند. شعر شفيعي، از این منظر، نوعی خوداندیشی فرهنگی است؛ بازتاب بحران و در عین حال، جست‌وجوی اخلاقی در دل آن.

#### نقد فرهنگی مدرنیته

در آثار پژوهشی شفيعي، بویژه «با چراغ و آینه» و «صور خیال در شعر فارسی»، نوعی نگاه انتقادی به فرآیند مدرن‌سازی فرهنگ دیده می‌شود. او بارها هشدار داده که مدرنیته ایرانی، به جای آنکه درونی و خلّاق باشد، بیشتر تقلیدی و فرمالیستی است. چنین شکلی از نقد، بازسازی نوعی «گفتمان مقاومت فرهنگی» است که در برابر هژمونی غربی و نیز سطحی‌نگری روشنفکران ایرانی شکل می‌گیرد. شفيعي در این معنا، مدافع نوعی «مدرنیته بومی» است؛ بازسازی فرهنگی از درون سنت، نه تقلید از بیرون. در همین راستا، او در تحلیل شعر معاصر، معیارهایی چون صداقت در بیان، استقلال زبان و پیوند با میراث فرهنگی را برجسته می‌کند. این معیارها نه صرفاً زیبایی‌شناختی، بلکه فرهنگی‌اند؛ یعنی به رابطه شعر با هویت و حافظه تاریخی ملت مربوط می‌شوند.

#### مسئولیت شاعر

شفيعي کدکنی بارها تأکید کرده که شاعر نمی‌تواند از مردم و سرنوشت جامعه‌اش جدا باشد. در بسیاری از اشعار او، به‌ویژه در دوره‌های تاریخی پر تنش، صداهای جمعی و تاریخی بازتاب یافته است. در شعر «سفر بخیر» یا «عزلی در مایه شور و شکستن»، شاعر با لحنی اخلاقی و هشداردهنده سخن می‌گوید؛ گویی شعر را رسانه وجدان جمعی می‌داند. این موضع‌گیری، بیانگر نوعی «اخلاق فرهنگی» است؛ یعنی مسئولیت شاعر در برابر جهان زیسته مردم. برخلاف

## بازتاب دغدغه دیرین

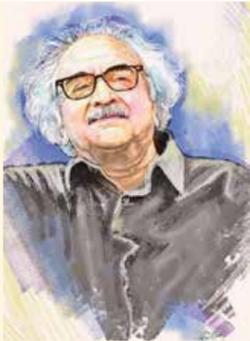
مقامات حاتمی و تداوم نگاه فرهنگی شفيعي کدکنی



آخرین اثر منتشرشده شفيعي کدکنی با عنوان «مقامات حاتمی: مناقب ضیاءالدین حاتمی چوینی»، بار دیگر نشان می‌دهد پژوهش و شعر در نزد او دو وجه از یک جهان فکری‌اند. این کتاب که به تصحیح و شرح یکی از متون «مناقب‌نویسی» یا «مقامات‌نگاری» سده ششم هجری اختصاص دارد، نه تنها بازسازی متنی عرفانی، بلکه بازتاب دغدغه دیرین شفيعي در پاسداری از میراث فرهنگی و زبانی ایران است. او در مقدمه مفصل خود بر این اثر، از یک سو به ارزش زبان و ساخت زبانی متن و از سوی دیگر به موقعیت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی اثر و نقش

آن در بازنامایی تصوف منطقی‌های توجه می‌کند و آن را گواهی زنده بر حیات عرفان ایرانی در خراسان می‌داند؛ عرفانی که در کنار تجربه دینی، حامل نوعی آگاهی اخلاقی و فرهنگی است.

از این منظر، مقامات حاتمی ادامه همان پروژه فرهنگی شفيعي است که در آثار پیشین او نیز دیده می‌شود؛ پیوند میان پژوهش ادبی و بازبانی هویت تاریخی از دل متون کهن. در این اثر، تصوف به‌منزله صورت فرهنگی یک دوران خوانده می‌شود؛ نه صرفاً تجربه‌ای باطنی، بلکه بخشی از حافظه جمعی جامعه‌ای که میان قدرت سیاسی، دانش دینی و اخلاق عرفانی در رفت و آمد بوده است. شفيعي با دقت زبان‌شناسانه و حساسیت تاریخی خود، نشان می‌دهد چگونه متون مناقب‌نگار، برخلاف ظاهر ستایش‌آمیزشان، درونمایه‌هایی از نقد قدرت و دفاع از شأن انسانی در خود دارند. از این رو، مقامات حاتمی را می‌توان نمونه‌ای از استمرار نگاه فرهنگی و انتقادی شفيعي در مواجهه با میراث کلاسیک دانست؛ نگاهی که در آن وفاداری به سنت با پیشش تاریخی و روش علمی دردم می‌آمیزد و متون کهن را به عرصه گفت‌وگویی زنده با فرهنگ امروز باز می‌گرداند.



مارلو، کسی چون ملکه الیزابت اول بوده است، حامی نوابغ معاصر چون جویس و ویرجینیا وولف و فاکنر نیز آحاد طبقه متوسط پرشمار و با فرهنگ و ثروتمند و آزادی‌یافته بودند که همواره جایگاه مستحکم خود را محفوظ داشته‌اند. اغراق نیست اگر بگوییم در هر فرسوست ۲۰ تایی یا حتی ۱۰ تایی از آثار شاعران گردیده جهان، اقلان یک شاعر کلاسیک ایرانی (مثلاً فردوسی) یا مولوی یا حافظ یا سعدی)

مشاهده می‌شود. اما هیچ نشانی از شاعران معاصر در این فهرست‌ها نیست!... برای زیبایی گریه‌نغمی است بی‌نیاز از هر حجتی، اما خرج دارد و بی‌مایه فطیر می‌گردد!

اما به‌رغم این، ریشه‌های شعر فارسی همچنان در آب است و با تمام تاریخ درخشانش هنوز در دل و جان شاعران فارس‌سر ریشه دارد. شفيعي کدکنی که پیش از هرکس از گذشته و حال این شعر مطلع است، در قصیده‌های خراسانی که آن را به زبان امروز سروده، در عین نالیدن از افول شعر فارسی، غیورانه، شاهکاری

#### ای شعر پارسی ۲

ملاحظ چین، سروده سعیدی، ترانه داشت / آواز برکشیده بران نیلگون برند روزی که پایکوبان رومی فکنده بود / صید ستارگان را در کهکشان کمند از شوق هر سروده حافظ به مُلک فارس / نیض زمانه می‌زد، از روم تا خجند فرسنگ‌های فاصله، از مصر تا به چین / کوته‌شدی به معجزیک مصرع بلند اکنون میان شاعرو فرزند و همسرش / پیوند برقرار نیازی به چون و چند زبید کزین ترقی معکوس در زمان / ای بهر چشم‌زخم، برآتش نهی سپند! / کاین گونه ناتوان شدی اندر لباس نثر / ای فرب‌تر بز بشکل گاون و گوسپند

جیب بنگش آمد و گوش زمانه را / آکنند از مزخرف و آژرد زین گزند جای بهار و ایرج و پروین جاودان / جای فروغ و سهراب و امید ارجمند بگرفت یافه‌های گروهی گرافه‌گوی / گلپت‌رهای جمعی در چهل خود به بند آیشخور توبود، هماره ضمیر خلق / از روزگار «گاهان» و روز روزگار «زند» و اکنون سخنورانت یک «اسطر» خویش را / در یاد خود درانداز از زهر تا به قند در حیرتم ز خاتمه شومت، ای عزیز! / ای شعر پارسی که بدین روزت لوفکنند؟

## کلیددار گنج بزرگ

مروری اجامی بر پژوهش‌ها و تصحیح‌های  
محمد رضا شفيعي کدکنی



اسماعیل امینی  
شاعر و نویسنده

استاد محمدرضا شفيعي کدکنی، افزون بر کارنامه پریشار شاعری و تدریس در دانشگاه، در حوزه تحقیق، تصحیح متون، نقد ادبی، تاریخ تحلیلی شعر و اندیشه، مباحث نظری و بلاغی شعر و هرآن چه مرتبط با زبان فارسی، شعر و فرهنگ ایران است، کتاب‌هایی ارزشمند، خواندنی و به یاد ماندنی دارند. در این نوشته مروری اجامی خواهیم داشت بر

شعاری از این آثار ماندگار و اثرگذار که خوشم از ذهن و ضمیر دوستداران زبان فارسی و دل‌بستگان به شعر فارسی را به زیبایی آراسته است.

«صور خیال در شعر فارسی» یکی از مباحث بنیادین زیبایی‌شناسی سخن را بیان می‌کند و آن بررسی تصویر شعری و سیر نظار آن در تاریخ هزار ساله شعر فارسی است؛ از طلوع آن در شعور دگرگونی سمرقندی تا شعر روزگار معاصر و آثار بزرگانی چون نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث.

در کتاب «موسیقی شعر» محبت ارتباط میان شعر و موسیقی و جنبه‌های آن موضوع اصلی کتاب است. مباحثی چون انبوا و وزن در شعر کهن ایران و تغییرات حاصل از تحولات تاریخی و سبکی شعر، تأمل در نقش ردیف و قافیه و تناسب‌های لفظی سایر کلمات شعر در خلق موسیقی و نیز بحث درباره موسیقی معنوی شعر در این کتاب آمده است.

تصحیح و شرح و تعلیقات مجموعه آثار عطار بخش دیگری از کارنامه استاد شفيعي کدکنی در حوزه کتاب است که دربردارنده چند کتاب ارزشمند است از جمله: الهی نامه، مختارنامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر و تذکرة الاولیاء که به نثر مسجع است و شامل حکایاتی است از زندگی مشایخ عرفان و تصوف. اهتمام استاد به تصحیح آثار عطار هم برآمده از تعلق خاطر ایشان به نیشابور و دکن است که خاستگاه و زادگاه ایشان است و هم به جراح تعلق نمونه‌ای عالمانه و بسامان از تصحیح نسخ و شرح و تفسیح متون کهن که یکی از شاخه‌های



دشوار و نخبگانی پژوهش و تألیف در حوزه ادبیات است. کتاب «با چراغ و آینه» مروری دقیق و خلّاق است بر ریشه‌ها، نشانه‌ها و دگرگونی‌های شعر فارسی در دوران معاصر، هم‌چنین کتاب «ادوار شعر فارسی» با دامنه زمانی گسترده، معیارهای علمی شیوه‌شناخت و تحلیل نظورات شعر را در گذر زمان بیان می‌کند.

به دلیل آنکه با مشهورات برخی در محافل ادبی و برخی عصیبت‌های آمیخته به اغراض غیرعلمی، سازگار نیست، واکنش‌ها و مجادله‌هایی برانگیخته است که البته در نهایت حاصل همه آنها، برپاژ شدن منابع مکتوب در این حوزه‌های خطیر است.

کتاب «رستاخیز کلمات» که حاصل جلسات درس استاد در کلاس نقد ادبی دانشگاه تهران است، به موضوع فرمالیسم روسی و جنبه‌های آن می‌پردازد و تأثیرات این دیدگاه را در شناخت، نقد و تحلیل شعر به تفصیل بررسی می‌کند.

در فصول متعدد کتاب «فلندریه در تاریخ» ریشه‌های فکری، روانی، اجتماعی و دینی

این پدیده شگفت انسانی و اجتماعی، بیان شده است و برای دوستداران متون ادب فارسی و پژوهشگران سیر تحول نظام‌های فکری مباحثی بسیار ارزشمند دارد. بویژه آن که این کتاب، متکی بر منابع پرشمار و معتبر و بعضاً ناشناخته و دوریابی است که تنها بزرگانی چون استاد شفيعي کدکنی با آنها انس دارند.

کتاب «زبان شعر در نثر صوفیه» اثری متفاوت و بسیار ارزشمند است از این جنبه که بی‌اعتباری مرز همیشگی میان نظم و نثر را که در شعر معاصر پیش از همیشه آشکار شد ریشه‌یابی می‌کند و پیشینه‌ای بی‌مرزی را در متون کهن پی می‌گیرد و بیان می‌کند. اهمیت و ارجمندی مضاعف این کتاب از جنبه‌ای دیگر، تأمل و ژرف‌نگاری در شطحیات است که غالباً به خاطر بی‌پروایی در پرداختن به نشانه‌های فرهنگ دینی و مبنایی اعتقادی، چندان مجال طرح‌شان نبوده است. شطحیات که هم به دلیل چشم‌اندازهای دور و کرانه‌ناپدیدشان، از دسترس فهم عام خارج شده‌اند و هم به خاطر زبان بی‌مرز و تداعی‌های آزاد ذهنی و واژگانی، جهانی ناشناخته و سرشار از شگفتی و واغلفگیری دارند چندان که مخاطب خود گرفته به متون معمول، منطقی و متداول را از خود می‌رانند. این کتاب، راهگشای مسیری است که به روی اهل تحقیق و تأمل گشوده است و آن همانا پرداختن به زوایای ناشناخته متون ادبی نامتداول است؛ هم از زوایای تازه که گاهی است فارسی که اینک در گذر از فراز و فرود تاریخ، در دست ما ایرانیان است که در مرکز بزرگ تمدن و هنر جهان دیروز و امروز زاده‌ایم و بالیددایم.



شفيعي کدکنی  
بارها تأکید  
کرده که شاعر  
نمی‌تواند از  
مردم و سرنوشت  
جامعه‌اش  
جدا باشد.  
در بسیاری از  
اشعار او، به‌ویژه  
در دوره‌های  
تاریخی پر تنش،  
صداهای جمعی  
و تاریخی بازتاب  
یافته است

#### نقد درونی و محدودیت‌ها

با همه اینها، نقد فرهنگی بر شفيعي نمی‌تواند از محدودیت‌های جهان شعری او چشم‌پوشد. اول آنکه، شعر او گاه چنان در زبان فاخر و آرگانیک غرق می‌شود که از ارتباط زنده با زبان روزمره فاصله می‌گیرد. از دیدگاه فرهنگی، این امر می‌تواند نشانه‌ای از فاصله طبقات فرهنگی در جامعه ایران باشد؛ زبان دوره‌های تاریخی پر تنش، صداهای جمعی و تاریخی بازتاب یافته است. در شعر «سفر بخیر» یا «عزلی در مایه شور و شکستن»، شاعر با لحنی اخلاقی و هشداردهنده سخن می‌گوید؛ گویی شعر را رسانه وجدان جمعی می‌داند. این موضع‌گیری، بیانگر نوعی «اخلاق فرهنگی» است؛ یعنی مسئولیت شاعر در برابر جهان زیسته مردم. برخلاف